



گفت‌وگوی «شرق» با سیدحسین موسویان:

## هاشمی به توازن رابطه با شرق و غرب معتقد بود

حامد طبیبی

هنوز شوک ناشی از درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی برطرف نشده است؛ چهره‌ای که صرف‌نظر از تأثیر ویژه بر معادلات داخلی ایران، در منطقه و جهان نیز به عنوان یک چهره بانفوذ و عمل‌گرا شناخته می‌شد. شاید به‌همین دلیل بود که رویدادهای داخلی که با اثرگذاری مستقیم ایشان رقم می‌خورد، در جهان نیز بازتاب می‌یافت؛ از ثبت نام در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ و استقبال ضمنی از آن گرفته تا انتخابات مجلس خبرگان رهبری و البته منتسب بودن حسن روحانی و وزیران دولتش به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی. کم نبودند مسئولان سایر کشورها که در سفر به ایران، سری هم به دفتر آیت‌الله در مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌زدند. اما فارغ از این مسائل، نقشی که هاشمی در ایام انقلاب و در مقاطع مختلف ۳۷ سال گذشته پس از انقلاب در دیپلماسی ایفا کرد، از یادها نخواهد رفت. با وجود تنش‌های ایران و اعراب، در دوران هیئت حاکمه قبلی عربستان از ایشان به عنوان شاه‌کلید حل مشکلات میان دو کشور بزرگ اسلامی یاد می‌شد؛ مسئله‌ای که با واکنش رئیس‌جمهور دوران سازندگی مواجه شد و تأکید کرد بدون تعیین دستور کار سفر و مشخص شدن سطح رایزنی‌ها، امکان سفر به عربستان را ندارد. این فرصت با درگذشت ملک‌عبداللّه و تغییر رویکرد ملک‌سلیمان و فرزندش نسبت به ایران و خاورمیانه، به راحتی از دست رفت. سیدحسین موسویان، سخنگوی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای دوران اصلاحات و معاون وقت سیاست خارجی شورای عالی امنیت ملی، از نزدیک‌ترین دیپلمات‌ها به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به شمار می‌رود. او در یادداشتی که بعد از فوت رئیس‌جمهور دوران سازندگی در سایت سی‌ان‌ان منتشر کرد، به بخشی از مأموریت‌هایی که به دستور آیت‌الله هاشمی دنبال کرده، اشاره کرده است. موسویان در سال ۱۳۶۴، از سوی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی رئیس مجلس دوم به سمت مدیرکل امور مالی و اداری، سرپرست ادارات کل و رئیس سازمان اداری مجلس منصوب شد و تا سال ۱۳۶۷ این مقام را بر عهده داشت. در این سال به وزارت خارجه رفت و به ریاست اداره اول غرب اروپا منصوب شد. یک سال بعد علی‌اکبر ولایتی، برای او حکم مدیرکلی غرب اروپای وزارت خارجه را زد. اما یکی از مقاطعی که بیشتر با نام موسویان گره خورده، ماجرای «میکونوس» است. او در ابتدای دولت سازندگی یعنی سال ۶۹ به عنوان نخستین سفیر ایران در آلمان متحد عازم بن شد. در زمان سفارت وی رخداد ترور میکونوس اتفاق افتاد. موسویان که اکنون پژوهشگر دانشگاه پرینستون آمریکاست، در گفت‌وگو با «شرق»، برخی ناگفته‌ها از آن مقطع و رابطه با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را بیان کرده است.

پیروزی انقلاب اسلامی باعث برهم‌خوردن قواعد منطقه خاورمیانه شد و غرب و شرق را حساس کرد یا مسائلی که بعد از آن در ایران به وقوع پیوست و پالس‌هایی که به خارج فرستاده شد؟ دولت موقت و حتی روی کارآمدن بنی‌صدر هم نتوانست مسئله ایران با خارج را حل کند. آیا مسئله جنگ بر دیپلماسی اثر گذاشته بود؟

قطعاً پیروزی انقلاب اسلامی، معادلات قدرت را در سطح بین‌المللی و جهانی تغییر داد. از دیدگاه آمریکا، ایران جزیره ثبات در منطقه بود. حکومت پادشاهی ایران به عنوان ژاندارم آمریکا در منطقه خاورمیانه سقوط کرد. شعار صدور انقلاب اسلامی به منطقه و جهان، وحشت به جان کشورهای عربی، آمریکا و حتی دیگر قدرت‌های جهان انداخت.

مسئله فقط به تصور از رفتار ایران بازمی‌گشت یا اتفاقاتی نیز در این بین افتاد؟

البته این مسائل تنها دلیل اصطکاک ایران - اعراب و ایران - جهان غرب نبود. موضوع اشغال سفارت آمریکا در تهران و گروگان‌گرفتن ده‌ها دیپلمات آمریکایی آن هم به مدت ۴۴۴ روز، همچون زلزله‌ای ۱۰ ریشتری بود که روابط ایران را با آمریکا و جهان غرب متلاشی کرد. بعد هم که جنگ هشت‌ساله را داشتیم که نقش مهمی

در تحولات منطقه ایفا کرد و دشمنی ایران با همسایگان عرب و جهان غرب را به نهایت رساند.

**در آن مقطع چقدر آیت‌الله هاشمی و شهید بهشتی برای حل مسائل خارجی، نگرش منطقی داشتند. به‌تازگی از شهید بهشتی مسائلی نقل شده که نشان می‌دهد آن بزرگوار برای حل مسئله با آمریکایی‌ها اعلام آمادگی کرده بود.**

هنگام اشغال سفارت آمریکا، مقام معظم رهبری و آیت‌الله هاشمی در سفر حج بودند و روحشان هم خیر نداشت.

**شما در آن مقطع به دلیل تجربه‌ای که در تحصیل در آمریکا داشتید، در سیاست خارجی به کار گرفته نشده بودید؟**

می‌دانید دولت موقت بر سر کار بود و تیم خود را داشت. اما من از همان ابتدای انقلاب در روابط بین‌الملل حزب جمهوری اسلامی بودم. اولین روزهای اشغال سفارت آمریکا، خدمت مرحوم آیت‌الله بهشتی رسیدم تا گزارشی از فضای بین‌المللی به ایشان دهم. در این دیدار متوجه شدم ایشان موافق نبودند منتها بعدا شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که کار از دست همه خارج شد آن هم به‌دلیل اسنادی که از داخل سفارت ترجمه و منتشر شد و حاکی از مداخله آمریکا در امور داخلی ایران بود.

**به مقطع جنگ پردازیم. با توجه به اینکه آیت‌الله هاشمی با نظر امام، فرماندهی جنگ را عهده‌دار بودند، آیا فروش سلاح‌های ممنوعه به دشمن از سوی اروپا و حتی شرق باعث شد نگاه به دیپلماسی را در دوران جنگ در اولویت قرار ندهند؟**

سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف به وسیله قدرت‌های بلوک غرب و شرق در اختیار صدام متجاوز قرار گرفت و متقابلا ایران را که قربانی تحریم بود تحریم کردند. کشورهای عربی همسایه هم حدود صد میلیارد دلار در اختیار متجاوز قرار دادند. هدف آنها هم فراتر از تغییر رژیم یا شکست ایران بود. آنها به دنبال تجزیه ایران بودند؛ آرزویی که برخی از کشورهای عرب همسایه هنوز هم در سر دارند. در چنین شرایطی، سرنوشت دیپلماسی جنگ، در میدان‌های جنگ تعیین می‌شد.

**یعنی به نقش دیپلماسی توجه لازم نمی‌شد؟**

اتفاقا به موازات پیشرفت ایران در جبهه‌های جنگ، دیپلماسی ایران هم قوت می‌گرفت. بین قدرت‌های جهانی، آلمان اولین کشوری بود که صدام را متجاوز اعلام کرد. گنشر، وزیر خارجه آلمان، یک سال قبل از خاتمه جنگ به تهران آمد و با مقامات عالی کشور دیدار کرد. ملاقاتی بسیار مهم با آیت‌الله هاشمی که در آن مقطع هم فرمانده جنگ و هم رئیس مجلس بود، داشتند. در این ملاقات، گنشر مجاب شد باید فعالانه وارد صحنه دیپلماسی برای خاتمه جنگ شود. من در آن ملاقات حضور داشتم. بعد از این سفر، گنشر به طور فعال وارد دیپلماسی ختم جنگ شد. بعد از آن هم گفت‌وگوهای محرمانه مهمی بین او و مقامات وزارت خارجه صورت گرفت. درواقع نطفه قطع‌نامه ۵۹۸ هم در همین گفت‌وگوها شکل گرفت. یادم هست روزی با دکتر جواد لاریجانی، معاون وقت وزارت خارجه، در منزل گنشر در شهر بن آلمان گفت‌وگوی بسیار مفصلی درباره قطع‌نامه احتمالی آتش‌بس داشتیم.

**در یادداشت اخیر خود در سایت سی‌ان‌ان، به مأموریتی که به شما و دکتر واعظی برای حل مسئله گروگان‌های آمریکایی در لبنان داده شد، اشاره کردید که به ایران گیت و مک فارلین هم مشهور است. ایشان در جایگاه رئیس مجلس ایده بهبود روابط با غرب را در اوج جنگ دنبال می‌کردند؟**

من ابدا در قضیه مک فارلین نبودم. زمانی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و دکتر ولایتی به آقای واعظی و من مأموریت حل بحران گروگان‌های غربی را دادند، زمانی بود که جنگ خاتمه یافته و آقای هاشمی هم رئیس‌جمهور شده بود. مقامات ده‌ها کشور به وزیر خارجه و رئیس‌جمهور پیغام دادند و استمداد طلبیدند. ایشان پاسخ مثبت دادند. بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، پیشنهاد «حسن‌نیت در مقابل حسن‌نیت» را داد منتها در تهران تصمیم این شد که به‌خاطر ارزش‌های انسانی و اسلامی کمک کنیم. تقریبا مطمئن بودیم این اقدام، به بهبود روابط ایران و اروپا کمک خواهد کرد که اصل مهمی برای سیاست خارجی دوران بعد از جنگ بود. ضمنا حسن‌نیت آمریکایی‌ها را هم آزمایش خواهیم کرد که آنها در این امتحان رفوزه شدند اما آزادی گروگان‌های اروپایی، در بهبود روابط ایران و اروپا تأثیر چشمگیری داشت.

**بعد از روی کار آمدن دولت سازندگی، اولویت‌های ایشان در سیاست خارجی ارتباط با شرق بود یا غرب؟ به ظرفیت غیرمتعهدها و روس‌ها و چین توجه داشت یا اروپا و آمریکا؟**

تقریبا یک سال بعد از ریاست‌جمهوری آیت‌الله هاشمی، شورای معاونین وزارت خارجه مأموریت چین را

آلمان را برای من تصویب کرد و تصمیم را به اختیار خودم گذاشت. من برای مشورت نزد آیت‌الله هاشمی رفتم. ایشان به من فرمودند رابطه با هر دو کشور برای ما بسیار مهم و کلیدی است، اما شما به آلمان بروید چون مسیر توسعه روابط با چین هموار است، ولی مسیر توسعه روابط با اروپا ناهموار و سخت است؛ به‌ویژه اینکه تصمیم نظام هم بر مبنای توسعه روابط با اروپای منهای آمریکاست. در سال ۷۲ یا ۷۳ در جلسه سمینار سفر در مشهد مقدس پیشنهاد اتحاد و پیمان همکاری مشترکی را بین روسیه، چین، هند و ایران دادم. در جلسه سفر از این پیشنهاد استقبال نشد. چند روز بعد وقتی خدمت آیت‌الله هاشمی رسیدم، پیشنهاد را مطرح کردم که بسیار استقبال کردند. بعداً به من فرمودند در سفر به پکن هم آن را مطرح کردند. آیت‌الله هاشمی معتقد به بالانس در روابط جمهوری اسلامی با جهان شرق و غرب بود. بیش از این دو، روابط با کشورهای همسایه برایش اهمیت داشت. دوستان وزارت خارجه می‌دانند ایشان چقدر برای توسعه روابط با کشورهای آسیای میانه و قفقاز و ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس زحمت کشیدند. با سران برخی از این کشورها روابط شخصی بسیار دوستانه و حتی روابط خانوادگی برقرار کرد. این نوع روابط به اندازه روابط رسمی دیپلماتیک در بهبود روابط مهم و تأثیرگذار بود.

**شما به عنوان چهره مورد اعتماد ایشان، سفیر وقت ایران در آلمان غربی در ماجرای میکونوس بودید. با توجه به تلاش آیت‌الله برای تنش‌زدایی، چرا وضعیت رابطه ما و غرب تا این اندازه حاد و حتی نزدیک به جنگ شد؟**

من وقتی عازم مأموریت آلمان شدم، در دو سال روابط با آلمان به عالی‌ترین سطح روابط در دوران بعد از انقلاب ارتقا یافت که من جزئیات آن را در کتاب روابط ایران و آلمان توضیح داده‌ام. روابط اقتصادی به مرز بی‌سابقه ۱۰ میلیارد مارک رسید. کمیسیون‌های مشترک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تشکیل شد. روابط سران برقرار شد. روابط امنیتی در سطح بالا شکل گرفت. چنین روندی از چهار جبهه مورد حمله قرا گرفت:

اول: فشارهای فوق‌العاده گسترده آمریکا

دوم: فشار صهیونیسم جهانی. این فشار تا حدی شدت یافت که در یک مکالمه تلفنی بین سران دو کشور، مشاجره لفظی صورت گرفت و نخست‌وزیر اسرائیل بدون خداحافظی، تلفن را قطع کرد.

سوم: مخالفت‌های انگلیس

چهارم: حوادث متعدد تلخی همچون حادثه ترور رهبران کرد در رستوران میکونوس برلین، قتل فریدون فرخزاد در بن، کشف محموله خمپاره یا موشک در کشتی ایران کلاه‌دوز به مقصد مونیخ آلمان و دستگیری‌های اتباع متعدد آلمانی در ایران همچون باخمن و فرچ.

واقعیت این است آلمان‌ها هیچ مایل نبودند که حادثه میکونوس به تخریب روابط بینجامد. آنها بعد از حادثه میکونوس و با وجود فشارهای سنگین آمریکا، اسرائیل و انگلیس، به‌طور رسمی وزیر اطلاعات ایران را به آلمان دعوت کردند. بعد از حادثه میکونوس، بحران بدهی‌های خارجی ایران پیش آمد که روابط مالی و اقتصادی ایران را به بن‌بست کشاند. دوران بازسازی بعد از جنگ را می‌گذرانیم. روزی خدمت آیت‌الله هاشمی رسیدم. بی‌نهایت از بحران پیش‌آمده ناراحت بودند. به من فرمودند: «آقای موسویان! بدون حل این بحران، هم برنامه اول پنج‌ساله بازسازی ایران ناتمام می‌ماند و هم قادر به شروع برنامه دوم نخواهیم بود. تلاش‌های دیپلماتیک ما هم شکست خورده چون هیچ کشوری از ترس آمریکا، حاضر به استمهال بدهی‌ها نیست. روابط بانکی ما قفل شده. از شما می‌خواهم تلاش کنید تا کشور از این بن‌بست نجات یابد...». روزهای خیلی سختی بر همه می‌گذشت. خداوند آقای محسن نوربخش را رحمت کند. ایشان در آن مقطع رئیس بانک مرکزی بود. ما با هم از دوران دانشجویی در کالیفرنیا رفیق بودیم و رفت‌وآمد خانوادگی داشتیم. آقای نوربخش مرتب به من زنگ می‌زد. چندماهی تلاشی شبانه‌روزی داشتم تا اینکه آلمان پیش‌قدم شد و با استمهال ۱۶ میلیارد مارک بدهی‌های ایران، سدشکنی کرد و در مقابل آمریکا ایستاد. بلافاصله بعد از آلمان، فرانسه و ژاپن نیز بدهی‌های ایران را استمهال کردند و در چند ماه همه بدهی‌های ایران استمهال و روابط بانکی ایران مجدداً فعال و برنامه‌های اقتصادی و صنعتی بازسازی پنج‌ساله اول و دوم هم از بن‌بست نجات یافت. همه این حوادث بعد از داستان میکونوس بود منتها وقتی که حوادث تلخ امنیتی مثل کشف موشک و... پیش آمد، آلمان هم انگیزه اولیه را از دست داد ضمن اینکه در چنین شرایطی هم قادر به مقاومت بیشتر در مقابل فشارهای آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی نبود. در سال ۷۶ هم رأی دادگاه میکونوس صادر شد و روابط ایران و اروپا را کاملاً تخریب کرد.

در دوران اصلاحات، نیروهایی که در دوران جنگ و سازندگی در دیپلماسی تربیت شدند و به‌نوعی نزدیک به آیت‌الله هاشمی بودند، در حوزه‌های مختلف دیپلماسی، فعال شدند. در شورای عالی امنیت ملی و تیم

مذاکره‌کننده هسته‌ای، شخص دکتر روحانی، دکتر ظریف و... ارتباط شما و ایشان ادامه یافت؟ چقدر از نگاه ایشان در سیاست خارجی در دوران اصلاحات بهره گرفته شد؟  
شما خاطراتان هست برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب در آن مقطع به شدت مخالف آیت‌الله هاشمی بودند و هیچ تمایلی به حضور و نفوذ ایشان در سیاست داخلی و خارجی نداشتند. اما دکتر روحانی و بنده در شورای امنیت مستمرا از نظرات ایشان بهره‌مند می‌شدیم و تصمیمات مهم و کلیدی سیاست خارجی مثل بحران عراق و افغانستان و هسته‌ای هم در شورای عالی امنیت ملی گرفته می‌شد.

**چرا آیت‌الله نتوانست مسئله ایران و عرب‌ها را به نقطه باثباتی برساند؟ با وجود آنکه در دولت اصلاحات، بالاترین توافق‌نامه میان ایران و عربستان امضا شد، اما رابطه ما و عرب‌ها به ثبات و همکاری اتحادیه‌ای نرسید؟**

آیت‌الله هاشمی در سال ۷۶ به من مأموریت داد با امیرعبدالله، ولیعهد وقت عربستان، مذاکره کنم. در جده در منزل امیرعبدالله مذاکرات انجام شد. فرزند آیت‌الله هاشمی هم حضور داشتند. بعد از چند دور مذاکره، چارچوب جامعی را توافق کردیم که به دنبال این توافق هم امیر عبدالله به ایران آمد. دکتر روحانی توافق امنیتی را بعدا امضا کرد و روابط به مدت هشت‌سالی تا سال ۸۴ بسیار خوب بود. روابط در دوره ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد افول کرد که باز هم آیت‌الله هاشمی ابراز آمادگی کرد، اما دولت وقت موافق ورود ایشان به این مسئله نبود.

**واکنش‌های جهانی به‌ویژه کشورهای عربی به درگذشت آیت‌الله هاشمی، چقدر مرهون شخصیت خود ایشان و چقدر به وضعیت فعلی ایران در دولت روحانی در جهان بستگی دارد؟**

به نظر من، واکنش گسترده جهانی مرهون شخصیت ایشان، محبوبیت مردمی و تشییع‌جنازه تاریخی آیت‌الله، بیانیه تاریخی مقام معظم رهبری و درنهایت هم به خاطر دولت دکتر روحانی بود.

**نه امروز که آیت‌الله هاشمی در بین ما نیست، بلکه در سال‌های بعد از دوران اصلاحات، همواره از استفاده‌نشدن از ظرفیت ایشان و... در سیاست خارجی گله شده است. به رفتار دولت احمدی‌نژاد با این چهره‌ها اشاره کردید. غیر از گرایش سیاسی دستگاه اجرایی، چه عوامل دیگری باعث می‌شود ما برخلاف سایر کشورهای جهان، از ظرفیت شخصیت‌های بین‌المللی خود استفاده نکنیم؟**

کشورهای پیشرفته عمدتاً از ظرفیت شخصیت‌های بین‌المللی و دیپلمات‌های بازنشسته تا آخرین روزهای عمرشان استفاده می‌کنند چون آنها را سرمایه کشورشان می‌دانند. متأسفانه در کشور ما، چنین ظرفیتی وجود ندارد که دلایل آن بعضاً گفتنی نیست. وقتی در بسیاری از مواقع، چنین شخصیت‌هایی مورد اتهام قرار می‌گیرند، چطور می‌توانند به سفر خارجی بروند یا دیداری خارجی انجام دهند. برخی علاقه‌مند به انزوای این شخصیت‌ها هستند.

در آخرین حضور شما در ایران در سال ۹۳، دیداری میان شما با آیت‌الله هاشمی صورت گرفت؟ با توجه به اینکه شما به‌نوعی سخنگوی غیررسمی ایران در محافل مختلف در سطح جهان و به‌ویژه آمریکا هستید، ایشان توصیه خاصی به شما نداشتند؟ از شما نخواستند با توجه به تغییر دولت و حل موضوعاتی که در دوران احمدی‌نژاد برای شما پیش آمد، در ایران بمانید؟

من حدود شش ماه بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری به ایران آمدم. برای دیدار به منزلشان رفتم. دیدار مفصلی بود چون چهارسالی بود که ایشان را ندیده بودم. ابتدا خیلی اصرار کردند برگردم و مسئولیت بپذیرم. من مفصل دلایل عدم تمایل خود را توضیح دادم. خدمتشان عرض کردم من صرفاً به روشنگری افکار عمومی جهان به‌ویژه جهان غرب و آمریکا ادامه خواهم داد. قانع نشدند اما به تصمیم من احترام گذاشتند. بعد هم مفصل از گسترش فساد در کشور و خطراتی که از این بابت کشور را تهدید می‌کند، صحبت کردند. بعد از ملاقات و هنگامی‌که برخاسته بودیم و خواستم خداحافظی کنم، خدمتشان عرض کردم رفت‌وآمدها و دیدارهای مکرر من با حضرت ایشان یا دکتر روحانی، ممکن است موجب سوءظن‌های داخلی شود. عرض کردم به اندازه کافی به شما تهمت و افترا زده می‌شود، من نمی‌خواهم موجب تشدید این اتهامات و جوسازی‌ها علیه شما شوم، روایت «اتقوا من مواضع التهم» (مؤمن باید از موضع تهمت بپرهیزد) را خواندم، ایشان هم فرمود حق با شماست.

ارسال دیدگاه

نام:

ایمیل:

وب سایت:

دیدگاه شما:

ارسال دیدگاه

مجری: پیام رسان هزاره آریا

کلیه حقوق مادی و معنوی این وب سایت، متعلق به روزنامه «شرق» است.